

۱.۲. دورهٔ صدارت عظمی محمد داوود خان

در ماه سپتامبر سال ۱۹۵۳ حکومت شاه محمود خان استعفاً کرد. تصمیم روز ۶ سپتامبر ۱۹۵۳ مقامات حاکمه مبنی بر توظیف محمد داوود خان بحیث صدر اعظم، گواه درک لزوم تغییر مشی سیاسی در کشور بود.

محمد داوود از نفوذ گسترده در اردو برخوردار بود. ادارات استخبارات، ژاندارم و پولیس در دست او بودند، چون وی همزمان وزیر امور داخله نیز بود. با قرار گرفتن در اهرم حاکمیت محمد داوود به «تصفیه» ارتش پرداخته و کسانی را که مخالفش میپنداشت به احتیاط گسیل کرد. او در پستهای وزارتخانه ها دست نشاندهانش را که عموماً فعالان جوان افغان بودند، گماشت. محمد داوود و اعضای حکومتش بخاطر کسب پشتیبانی جامعه از کارهای خویش گذارش داده و در مطبوعات بودجه ها و برنامه های اقتصادی را معرفی میکردند که در گذشته در افغانستان بیسابقه بود.

صدراعظم نو به محض رسیدن بقدرت از تعهدات کاکایش (شاه محمود خان، مترجم) مبنی بر گسترش دموکراسی در کشور پرهیز کرد. سیاست وی بر اصل شالوده یی- اجرای اقتصاد رهبری (پلان) شده از سوی دولت و حل معضلات پشتونستان استوار بود. مسوولیت اساسی اجرای این برنامه ها به عهده شخص محمد داوود، برادرش محمد نعیم و همکار نزدیک صدراعظم عبدالملک عبدالرحیمزی وزیر مالیه بود.¹ همچنان محمد داوود مسوولیت وزارت دفاع و محمد نعیم سرپرستی امور وزارت خارجه و معاونیت دوم صدارت عظمی در امور سیاست خارجی را به عهده داشتند.

نخست وزیر نو مشی باصطلاح اقتصاد «رهبری شده» که مرام آن را تسهیل و تسریع رشد سرمایه داری در کشور، دادن سهم فعال به سرمایه گذاران در زندگی اقتصادی کشور، استفاده پهناور از کمکهای گسترده خارجی، دادن امکانات مناسب به سرمایه داران ملی، از جمله متوسط و خرده، برای شرکت در امر رشد اقتصاد و انکشاف نیروهای تولیدی کشور، اعلام کرد.²

رشد کشور بر اساس پلانهای پنجساله در نظر گرفته شده بود. بنابراین در ساختار کابینه وزارت پلانگذاری ایجاد شد که شالوده کارش را ترتیب استراتژیی برنامه ریزی کشور تشکیل میداد.

این ارگان در اوایل از یک وزیر و معاون (معین) اش- عبدالحی عزیز که همچنان از خانواده شاهی بود، دو رییس از اداره های پلانگذاری و احصاییه و مدیران ۲۲ شعبه که در هر کدام یک نفر بحیث سرپرست شعبه کار میکردند، تشکیل یافته بود. در سالهای نخست وزارت پلان و دفتر صدارت عظمی در یک ساختمان واقع شده بودند. محمد داوود با هماهنگی سه وظیفه بکارش تا سال ۱۹۵۴ ادامه داد. او در این زمان قادر به انجام کارهای بسیاری شد. با آمدن وی در رأس قدرت برگ نوینی در تاریخ کشور گشوده شد.

نظر به ماهیت و مشخصات خویش برخی اقدامات وی ادامهٔ سیاست امان الله خان بودند. نخستین بار در تاریخ کابینه دولت، بااستثنای محمد علیخان³ که مانند گذشته عهده دار پست معاونیت اول صدارت بود، تغییر کلی یافت. اینبار افراد نو

¹ - آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ سیاست خارجی:....- 347. Д. 5/54. Оп. 28, p. 5/54. -РГАНИ. Ф. 5.

عبدالملک در سال ۱۹۱۸ در لوگر در خانواده عبدالرحیم از طایفه عبدالرحیمزی بدنیا آمد. او در مکتب حربیه و در ترکیه تحصیل کرده بود. در سال ۱۹۵۳ وزیر مالیه شده و در سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ به ایالات متحده امریکا سفرهای رسمی نمود. در سال ۱۹۵۷ «بخاطر تلاش در سقوط حکومت بکمک یک کشور خارجی» زندانی شد. پس از کناره گیری محمد داوود از پست صدارت، وی خود از ترک زندان خودداری کرده و خواهان محاکمه خود شد. او پس از انقلاب ثور در سال ۱۹۷۸ از زندان آزاد شد، مگر همچنان بمثابه یکی از منتقدان رژیم بشمار میرفت. او در سال ۱۹۸۲ از دنیا رفت.

² - Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений. - М., 1988. С. 160-

تیلینسکی ل. ب. تاریخ روابط افغانستان- شوروی. مسکو سال ۱۹۸۸ ص. ۱۶۰.

³ - آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ سیاست خارجی:....- 347. Д. 5/54. Оп. 28, p. 5/54. -РГАНИ. Ф. 5.

محمد علیخان سالمند ترین سیاستمدار بود که ببرکت ویژگیهای شخصی اش چون کاردان بی همتا، توانایی سازماندهی، آموزش و وفاداری به دودمان سلطنتی به بالاترین مقام در میان محافل حاکمه دست یازیده بود. او از پشتیبانی گسترده سران اقوام تاجک، ترکمن و ازبک برخوردار بود. نظر به اطلاع افراد آگاه علی محمد از اعتماد بزرگ شاه و اعضای دیگر خاندان سلطنتی برخوردار بود. وی در سال ۱۸۹۵ به دنیا آمده بود، پدرش از ناموران تاجک از شغنان (پامیر افغانی) بود که زمان درازی در خدمت یکی از امیران افغانستان قرار داشت. علی محمد یگانه مأمور عالیرتبه کشور بود که به دودمان شاهی تعلق نداشت. او تحصیلاتش را در کابل به پایان رسانده بود. کار دولتی اش را در سال ۱۹۲۵ آغاز کرده و سپس در سال ۱۹۳۳ در مقامهای مسوول وزارت معارف و تجارت قرار داشت. وی همچنان بحیث مترجم در وزارت امور خارجه افغانستان کار میکرد. علی محمد از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸ سفیر افغانستان در بریتانیا بوده، از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰ وزیر امور خارجه و از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ معاون صدر اعظم و وزیر خارجه کشور بود. او از ماه سپتامبر ۱۹۵۳ معاون اول صدراعظم در کابینه محمد داوود بود. علی محمد نظر به پندارهایش شخصی محافظه کار بود. او هوادار «مشی خشن» در برابر اپوزیسیون کشور بود. چنانچه در سال ۱۹۵۱ علی محمد زمانیکه موقتاً سرپرستی صدارت را بعهده داشت، جریده ندای خلق را که ارگان حلقات مترقی کشور بود، توقیف کرد. همچنان پسانها بسیاری از شهروندان

و فرهیخته و عموماً جوان مانند دکتر یوسف⁴، دکتر علی احمد پوپل⁵، دکتر عبدالله ملکیار⁶، و عبدالروف سرپرست وزارت اقتصاد ملی که به مشی اقتصادی طرح شده حکومت مخالفت کرده و در ماه جنوری محمد داوود استعفا اش را پذیرفت، در رأس قدرت قرار گرفتند.⁷

در سال ۱۹۵۶ محمد داوود ترکیب کابینه اش را تغییر داد. نظر به پیشنهاد صدراعظم و با موافقه شاه چنین دگرگونی بعمل آمد: وزیر فواید عامه عبدالحمیم (شاه عالمی، مترجم) وزیر داخله شد. سید عبدالله⁸ قوماندان و والی کابل بحیث سرپرست وزارت عدلیه، عبدالملک سرپرست وزارت مالیه، محمد یوسف سرپرست وزارت معادن و صنایع، محمد مرید سرپرست وزارت مخابرات در وزارت های مربوط برگزیده شدند و محمد هاشم میوندوال رییس مطبوعات بحیث معین وزارت امور خارجه احراز وظیفه کرد. همچنان معین وزارت صحت عامه عبدالظاهر بحیث سرپرست وزارت صحت عامه و معین فواید عامه محمد کبیر منحیث سرپرست آن وزارت گماشته شدند.⁹

همزمان دگرگونیهای در پستهای دیگر دولتی نیز رخ داد: عبدالستار شالیزی بحیث معاون رییس مستقل مطبوعات (که عملاً کار رییس کل اداره را انجام میداد) و والی میمنه میر عبدالعزیز بحیث والی و رییس تنظیمه و لایط کابل تعیین شده و جایش را به غلام حیدر¹⁰ داد.

نظر به پیشنهاد وزیر معارف، شورای وزیران شاعر مشهور گل پاچا الفت¹¹ را بحیث رییس «پشتو تولنه» یا اکادمی علوم افغانستان بجای صدیق رشتین که پست مشاوری وزارت معارف را احراز کرده بود، تعیین کرد.¹²

دموکرات را بازداشت کرده و تمام نشرات ترقیخواه را مصادره نمود. علی محمد یک زمیندار بزرگ بوده و دارای چندین خانه در کابل بود. او سرمایه هایش را در بانکهای افغانستان نگهداری میکرد.

4 - محمد یوسف در ماه جنوری سال ۱۹۱۴ در کابل زاده شد. او فرزند محمد حسن بود. در مکتب نجات درس خوانده و سپس به جمهوری فدرال- آلمان رفته در دانشگاه مونشن و گیتنگن دکترایش را در رشته فزیک بدست آورده، در سال (۱۹۴۴) پروفیسر، استاد و سپس رییس فاکولته علوم طبیعی (ساینس) دانشگاه کابل بود. در سال ۱۹۴۸ وی مدتی رییس تعلیمات تخنیکی و در سال (۱۹۴۹) معین وزارت معارف بود. در سال 1952 مسوولیت مرکز فرهنگی افغانستان را در مونشن بعهده داشت. سپس در سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ وزیر معدن و صنایع بود. در سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۶۵ صدراعظم کشور بود (نخستین صدراعظمی بود که به خانواده سلطنتی تعلق نداشت). او سپس بدلیل کشته شدن چهار نفر مظاهره کننده توسط پولیس ناگذیر به استعفا شد. وی در میان سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۳ سفیر افغانستان در آلمان فدرال بود. در آغاز سال ۱۹۷۳ او سفیر افغانستان در اتحاد شوروی بود. در ماه جولای ۱۹۷۳ او از مسکو خواسته شده و برکنار شد. پس از انقلاب ثور در خارج بسر میبرد. زبان مادری اش دری بود. -

5 -- *Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.* - М., 2004. С.228.

ایژوف گ. پ. معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، چاپ دوم، ص. ۲۲۸ -
علی احمد پوپل در سال ۱۹۱۷ در کابل بدنیا آمد. او در مکتب نجات آموزش دیده بود. درجه دکترای فلسفه را از دانشگاه این (آلمان) بدست آورده بود. در سال ۱۹۴۲ معلم جغرافیه و در سال ۱۹۴۶ مدیر لیسه نجات بود. در سالهای ۱۹۴۶-۱۹۴۹ مدیر دارالمعلمین کابل بود. در سالهای ۱۹۴۹-۱۹۵۱ رییس تدریسات وزارت معارف، در سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۶ معین و در سالهای ۱۹۵۶-۱۹۶۴ وزیر معارف و بعدها معاون دوم صدارت بود. وی در سالهای ۱۹۶۴-۱۹۶۶ سفیر افغانستان در آلمان و در سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۸ سفیر در ترکیه بود. در سال ۱۹۶۶-۱۹۶۷ معاون صدارت عظمی و همزمان وزیر معارف بود. سپس (سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۴) سفیر در پاکستان و سفیر در اتحاد شوروی (۲۱ دسامبر ۱۹۷۷-۱۵ می ۱۹۷۸) بود. او نویسنده مقاله هایی زیادی در مطبوعات داخلی و خارجی بود. پس از انقلاب ثور در کابل زندگی میکرد.

6- *Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.* - М., 2004. С.143.

ایژوف گ. پ. معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، چاپ دوم، ص. ۱۴۳ -
عبدالله ملکیار فرزند عبدالاحمد در سال ۱۹۰۸ در غزنی بدنیا آمده بود. او از لیسه استقلال و انتستیتوت تهران فارغ شده بود. وی رییس هیأت دولتی برای خرید تجهیزات در اروپا با مرکزیت آلمان (۱۹۷۳) بود. همچنان او معاون د افغانستان بانک و همزمان معاون سوم و وزیر اقتصاد ملی بود. در سالهای ۱۹۴۴، ۱۹۴۹، والی هرات و در سال ۱۹۴۸ وزیر مخابرات بود. او در سال ۱۹۵۳ رییس پروژه آبیاری وادی هلمند شد. در سال ۱۹۵۷ وزیر تجارت و در سال ۱۹۵۸ وزیر مالیه بود. وی در سال ۱۹۶۳ معاون صدراعظم شد. در سال ۱۹۶۴ سفیر در لندن، در سال ۱۹۶۶ سفیر در واشنگتن و در سال ۱۹۷۶ سفیر در تهران بود. از سال ۱۹۸۰ به بعد در ایالات متحده امریکا میزیست.

7- انیس شماره مورخ ۳ جنوری سال ۱۹۵۵ -

8 - *Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.* - М., 2004. С.250. -

ایژوف گ. پ. کتاب معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، چاپ دوم، ص. ۲۵۰ -
سید عبدالله فارغ لیسه حبیبیه بوده، معلم و کارمند وزارت معارف بود. پسنانها مدیر لیسه حبیبیه، معاون (معین) وزارت معارف (۱۹۴۲)، وزیر عدلیه (۱۹۵۶) و معین وزارت داخله بود (۱۹۵۷).

9- *Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.* - М., 2004. С.250. همانجا:....

10 - آرشیف وزارت خارجه روسیه: ...-34 - АВР РФ. 1954. Ф.042. Д. 1. П. 88.

11- *Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.* - М., 2004. С.250.

ایژوف گ. پ. معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، ص. ۲۹۷ -
گل پاچا الفت در سال ۱۹۰۹ در ولایت لغمان زاده شده و فرزند میر سید پاچا بود. او تعلیمات اسلامی را آموخته بود. در سال ۱۹۳۶ مدیر مسوول روزنامه انیس شد. همچنان به عضویت اکادمی «پشتو تولنه» و انجمن ادبی درآمد. در سال ۱۹۳۸ مدیر مسوول جریده زیری شد. در سال ۱۹۴۱ رییس بخش زبان و ادبیات پشتو در پشتو تولنه شد. وی محررراید زیادی بود. او در سال ۱۹۴۹ آمر اداره قبایل ولایت ننگرهار بود. وی همچنان اشتراک کننده لویه جرگه سال ۱۹۵۶ و ۱۹۶۴ بود. در سال ۱۹۵۷ مدیر پشتو تولنه شد. سپس در سال ۱۹۶۳ رییس اداره قبایل شد. او وکیل شورا در دوره های ۷ و ۸ بود. همچنان او صاحب امتیاز و مدیر مسوول جریده «ولس» بود. الفت همچنان یکی از بنیانگذاران جریان

محمد داوود جوانان و تحصیلکردگان را بکار های دولتی و اداری جلب نموده و از دانشجویان پوهنتون (دانشگاه) کابل خواست از برنامه هایش حمایت کنند. برای کسب اعتماد دانشجویان داوود خان فارغ التحصیلان فاکولته حقوق را مستقیماً بحیث رؤسا در شهرداریهای کابل و ولایات مقرر کرده و همزمان از وزارتخانه ها و ادارات میخواست به مسأله اشغال و کاریابی کارشناسان جوان توجه نمایند. او همچنان پنجاه نمره زمین را برای ساختمان مسکن های ارزان قیمت برای نادرترین فارغان مطابق برنامه بانک رهنی و تعمیراتی تخصیص داد. به اینگونه او توانست توجه قشر تحصیلکرده را به دگرگونیهای نوین جلب نموده و زمینه اشتراک آنها را در تحقق برنامه های اقتصادی حکومت عملی سازد.¹³

۱،۳ سیاست نوین اقتصادی محمد داوود خان

(۱۹۵۶-۱۹۶۱)

در سال ۱۹۵۶ محمد داوود خان مشی سیاسی «اقتصاد رهبری شده» را در پهلوی اقتصاد بازار آزاد اعلام کرد. سیاست «اقتصاد رهبری شده» باعث گسترش شالودههای اجتماعی رژیم شد.¹⁴

در سالهای ۵۰-۶۰ م. با تلاشهای رژیم محمد داوود نقش سکنور دولتی در زندگی اقتصادی کشور گسترش یافت. در این راستا به عرصه های راهسازی، ایجاد مؤسسات صنعتی، گسترش شالوده انرژی بیتیکی کشور، پژوهش و استخراج معادن، تقویه سیستم کربنددی کشور و پرورش کادرهای ملی توجه ویژه میشد. گرچه رهبری دولتی اقتصاد در شرایط افغانستان بشکل قسمی عملی میشد، مگر با اینهم تاحدودی باعث ارتقای تولید، بهبود وضعیت مادی و مالی کشور و بهتر شدن اشتغال مردم میشد.¹⁵ در دوره صدارت محمد داوود یکسلسله اصلاحات اجتماعی- اقتصادی عملی شدند.

در زمان حکومت نامبرده بنیان انکشاف ترانسپورت عصری، انرژی و صنایع کیمیاوی، فلزکاری هشته شده و برنامه درازمدت اصلاحات زمین (ارضی) ترتیب شد. درین زمان دهها هزار افغان تخصص کاری آموخته و برخی هم بخارج جهت آموزش فرستاده شدند.

درسال ۱۹۵۴ عملاً تحقق مشی نوین اقتصادی آغاز شد. گام نخست دراین راستا سرشماری نفوس کابل بود. نظر به این سرشماری تعداد باشندگان پایتخت به ۲۰۹۴۷۶ نفر میرسید. نظر به ارقام بدست آمده دربرابر هر ۱۰۰۰ نفر ۳۰ تن بدنیا میآمد و از هر ۱۰۰۰ نفر ۱۰ تن میمرد.¹⁶ گام دوم کنترل صعود قیم و تثبیت بهای محصولات اساسی و کالاها بود. همچنان قانون جدید کار ترتیب شد. نظر به این سند زمان کاری هفته وار ۴۵ ساعت بود که در برابر اضافه کاری باید پول پرداخت شده، حد اقلی دستمزد دوبرابر بیشترگردیده، همچنان زمان رخصتی درازتر شده و پرداختهای اجتماعی و تقاعد (بازنشستگی) بیشتر شدند.

در سال ۱۹۵۴ ترتیب و آماده نمودن پلانهای انکشاف اقتصادی کشور که توسط عبدالملک رحیم زی پیشکش شده بود، آغاز گردید. چون وزیر نامبرده در ترکیه که شالوده نظام مالی دولت آنرا اقتصاد نظامی و مشی اتاتیزم¹⁷ تشکیل میداد،

«ویش زلمیان» پنداشته میشود. از قلم وی مقالاتی با مضامین اجتماعی و سیاسی نشر شده است. الفت یکی از مشهورترین شاعران زبان پشتو است. او بتاريخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۷ وفات کرد.

12 روزنامه اصلاح، ۳۱ می سال ۱۹۶۵ -

13 ، امین الله دریچ افغانستان در قرن بیستم. پشاور سال ۲۰۰۷ ص. 307 -

14 کارگون و. گ. افغانستان در قرن بیست، مسکو. - *Коргуи В.Г. История Афганистана XX век. - М., 2004. С. 304.* سال ۲۰۰۴، ص. ۳۰۴ .

15 - *История вооруженных сил Афганистана 1747-1977* Отв. ред. Ю.В. Ганковский. -

М., 1985. С. 107. 107. ص. مسکو ۱۹۸۵. و. گانکوفسکی. با سرمحرری. تا ۱۷۴۷ سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵.

16 روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ اکتوبر ۱۹۵۴ -

17 - *Этатизм /étatism*

اتاتیزم (ایتاتیزم) واژه فرانسوی است که از کلمه دولت گرفته شده و ایدئولوژی است مبتنی بر نقش مطلق دولت بر جامعه و مداخله دولت در شئون اقتصادی و اجتماعی کشور و مردم.

اصول و اندیشه های اتاتیزم پسانها در قرن بیست مورد استفاده مصطفی کمال اتاترک قرار گرفته و نخست در برنامه حزب مردمی جمهوریخواه (درسال ۱۹۳۱) و سپس در قانون اساسی جمهوری ترکیه (۱۹۳۷) همانند دکتورین رسمی اقتصادی پذیرفته شدند. سیاست اتاتیزم باعث رشد سریع اقتصاد ملی ترکیه شد. پس از جنگ دوم جهانی دولت ترکیه از سیاست اتاتیزم بخاطر نفوذ بوژوازی بزرگ فاصله گرفت. بتدریج جای دکتورین اتاتیزم را در نهایت «اقتصاد مختلط» گرفت. درسالهای ۶۰ سده گذشته شعار «اتاتیزم نوین» پیشکش شد. (مترجم . خلیل و داد)

تحصیل نموده بود، میخواست، عین مدل را در افغانستان عملی نماید. در این زمان همه شرایط برای تحقق اندیشه های وی آماده شده بود، چنانچه ساختار حکومت بازسازی شده، تنظیم پلانیهای اقتصادی کشور آغاز گردیده، از کمکهای خارجی برای سرمایه گذاری استفاده شده، کارشناسان خارجی برای همکاری و امور ساختمانی دعوت شده و برای تقویه اردو اقداماتی رویدست گرفته شده بود.

در همین زمان در شورای ملی برای نخستین بار عبدالملک (عبدالرحیمزی) وزیر مالیه درباره بودجه سال ۱۹۵۴-۱۹۵۵ بیانیه یی را ایراد کرد. او به نمایندگان بیان کرد که مجموع مصارف دولت ۱۲،۶۱۲،۰۰۸،۱۴۱،۱ افغانی پیشبینی شده و نظر به مصارف بودجه پیشین ۱۲،۹۱۲،۸۳۳،۴۸۶ افغانی بیشتر میباشد. مصارف امور اجتماعی (عامه) به ۵۴۷،۴۰۸،۹۰۰ افغانی افزایش یافته و به صحت عامه ۲۵،۷۴۲،۳۴۲ افغانی بیشتر هزینه شده بود. در این اجلاس عبدالرحیم درباره مصارف نظامی اعلام کرد: «باید نظر داشت برخی پندارها ما نمیتوانیم بیشتر از ۲۰ درصد کلی بودجه را به بخش نظامی تخصیص دهیم.¹⁸ یکسال پس روزنامه انیس¹⁹ متن بیانه عبدالملک را که در شورای ملی درباره بودجه سال ۱۹۵۵-۱۹۵۶ ارائه کرده بود نشر کرد. بر مبنای ارقام مذکور بخش مصارف بودجه متشکل از ۱،۶۲،۱۰۲،۳۰۱ افغانی بود که از عواید دولت ۲۸۸،۴۱۴،۶ بیشتر بود. همچنان بخش مصارف بودجه سال ۱۹۵۵-۱۹۵۶ نظر به بودجه سال گذشته افزایش ۵۴۹،۰۱۳،۱۶۰ افغانی را نشان میداد.

مطابق اطلاع روزنامه انیس مورخ ۱۴ دسامبر²⁰ آمادگی برای ترتیب برنامه های انکشاف اقتصادی کشور آغاز شد. بدینمنظور در چوکات وزارت مالیه شورای مشورتی ایجاد شد که در ترکیب آن کارشناسان اقتصاد، بازرگانی، مالیات و امور تخنیکی در زیر رهبری جنرال عبدالملک رحیمزی معاون صدارت و وزیر مالیه شامل بودند. پس از بررسیهای طولانی وضعیت اقتصادی کشور و مشوره های گونه گون در وزارت مالیه چندین کمیته ایجاد شدند: کمیته های مالیات، تجارت، صنایع و معدن، زراعت، ترانسپورت و مخابرات. این کمیته ها وظیفه داشتند پیشنهادات معینی را برای تکمیل برنامه عمومی انکشاف اقتصادی پیشکش نمایند.

روزنامه اصلاح مورخ ۱۱ دسامبر²¹ ۱۹۵۴ چالشهایی را که برای رفع آنها این کمیته ها مؤظف شده بودند، بازتاب داد: کمیته زراعت باید مسأله افزایش حاصلات، بهبود زمینهای کشاورزی، ایجاد کوپراتیفهای زراعتی و انکشاف پیله وری را بررسی میکرد. کمیته امور ترانسپورتی باید مسایل بهبود ترانسپورت کشور، بهبود کار «شرکت سرویس» بمثابه مؤسسه مرکزی سهامی ترانسپورتی، ایجاد مؤسسه دولتی برای کنترل امور ترانسپورت، ترتیب پلانیهای مربوط به گسترش ترانسپورت هوایی و ایجاد راههای مواصلاتی را بررسی مینمودند. به کمیته امور بانکی پیشنهاد میشد تا بهبود مدیریت سیستم کریدت با ایجاد کنترل بر عواید اسعاری، تعیین مشی بانکها و ترتیب قوانین بانکی را مد نظر داشته باشد. کمیته امور صنایع مکلف به تعیین اهداف مربوط به انکشاف صنعت، تعیین امتیازات برای صنایع و استقرار کنترل بالای آن بود. و کمیته استخراج معادن مؤظف به سروی و تعیین مقدار ذخایر معدنی، ترتیب پیشنهادها به حکومت برای تمویل پروژهها و جلب کارشناسان و تمویل کنندگان خارجی در عرصه های مناسب استخراج معادن شدند.

در اپریل سال ۱۹۵۴ حکومت داوود خان قانون سرمایه گذاری خارجی را تصویب کرد که در آن دسترسی سرمایه گذاران خارجی در همه عرصه های اقتصاد افغانستان پیشبینی شده بود.

بخاطر مؤثریت بیشتر برنامه های اقتصادی عبدالملک رحیمزی وزیر مالیه در اگست سال ۱۹۵۴ همزمان مسؤلیت اداره وزارت اقتصاد ملی را نیز عهده دار شد.²² او فعالیتش را از ریفورم سیستم بانکی آغاز کرد. در سال ۱۹۵۴-۱۹۵۵ در کابل دو بانک جدید- بانک رهنی و تعمیراتی و بانک انکشاف زراعتی²³ بنیانگذاری شده و محدودیتها برای ورود ۱۰۱ قلم جنس لوکس از میان برداشته شدند.²⁴

18 - АВП РФ. 1954. Ф.042. Д. 1. П. 88.... - آرشیف وزارت خارجه روسیه:

19 - روزنامه انیس مورخ ۲۸ اگست سال م 28.08.1955 -

20 - روزنامه انیس مورخ م 14.12.1954 -

21 - روزنامه اصلاح مورخ 11.12.1954 -

22 - روزنامه اصلاح، مورخ 28.08.1954 -

23 --Гуревич Н.М. Экономическое развитие Афганистана/ Отв. ред. Ганковский Ю.В. - М., 1972. С. 125 ..

- گوریویچ، رشد اقتصادی افغانستان . تحت نظر گانکوفسکی ی. و. مسکو سال ۱۹۷۲ ، ص ۱۲۵-

24 - روزنامه اصلاح، مورخ 28.08. -

در ماه سپتامبر همانسال عبدالملک رحیمزی در حضور اعضای اتاق تجارت کابل در وزارت اقتصاد بیانیه‌ی داد که طی آن از حلقه‌های بازرگانی کشور درخواست نمود به حکومت در راستای اقدامات تجارتي همکاری نموده و در تثبیت قیمت‌ها در مغازه‌های خصوصی کمک کنند.²⁵ در جریان سال ۱۹۵۴ وزارت اقتصاد ملی اقدامات معین تشکیلاتی را برای ایجاد بانک «دپشتتتی تجارتي بانک» انجام داد. چنانچه روزنامه انیس²⁶ مورخ ۴ دسامبر گزارش داد که سرپرست وزارت مالیه عبدالملک از این بانک دیدن کرده و توصیه کرد «که هرچه عاجل باید برای گشایش این مؤسسه که نقش مهمی را در سهولت امور بازرگانان خواهد داشت، اقدام شود.» بنابر اطلاع روزنامه انیس²⁷ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۵۴ قانون تجارت که دارای ۹۴ ماده بوده و مسوولیت‌های محاکم تجارتي و بازرگانان را مشخص کرده، مسایل مربوط به رشد تجارت خارجی و استفاده کشور از سرمایه گذاری خارجی را نیز معین نموده بود، نافذ شد.

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۵ عبدالملک در بیانیه اش خاطر نشان کرد: «زمانیکه حکومت به ایجاد بانکها و پیشبرد اقدامات برای تنظیم فعالیت‌های ادارات تجارتي آغاز کرد، صداهایی بگوش میرسید که گویا حکومت کار تجارت خصوصی را نابود کرده و کار بازرگانی را خود بعهده میگیرد... آیا حکومت هیچ اقدامی را برای جلوگیری از حوادث نامطلوب در پیش نگیرد؟ آیا حکوت برای تجارت و تقویه اقتصاد کشور نباید راه‌های بیرون رفت را جستجو کند؟». عبدالملک از جمله بیان کرد که در طی سالیان گذشته به دهقانانی که مشغول کشت پخته اند، همکاری نشد، در نتیجه وضعیت این کشاورزان بدتر شده، کشت پنبه کاهش یافته و به اقتصاد کشور ضربه سهمگینی وارد شد.²⁸

بانک دولتی «دافغانستان بانک» به انحصار گسترده در عرصه عملیات اسعاری و بخشهای تجارت و صنایع کشور دست یازید. پس از آن این بانک تمام اسعار خارجی را که در نتیجه صادرات و بویژه فروش پشم و پنبه عاید، میشد ثبت نموده و آنها را به نگهداری این عواید در بانک مؤظف میکرد. تا ۴۰٪ اسعار خارجی را بانک به ۲۱ افغانی در برابر هر دالر و ۶۰٪ را به ۳۰ افغانی از هر دالر محاسبه میکرد.

در ماه جولای ۱۹۵۵ افغانستان به عضویت بانک بین المللی بازسازی، توسعه و صندوق بین المللی پول شامل شد.²⁹

در ماه سپتامبر ۱۹۵۵ پارلمان کشور تفاهم نامه منعقد ۲۲ جون ۱۹۵۵ با بانک بین المللی بازسازی توسعه و صندوق بین المللی پول را در کنفرانس ملل متحد در بریتون وُدس (ایالات متحده) تأیید کرد.³⁰

پیرامون عضویت افغانستان در بانک بین المللی بازسازی، توسعه و در سرمقاله روزنامه انیس مورخ ۱۷ نوامبر صندوق بین المللی پول آمده بود: «مامیدواریم که بتوانیم از بانک بین المللی کریدتهایی را برای رشد صنایع افغانستان و انکشاف تولیدات زراعتی بدست آوریم. زمانیکه سرمایه گذاران خارجی به کشور ما توجه نمایند، سرمایه ها نیز بکشور وارد شده و در آنصورت میشود، نتایج کمک بانک بین المللی را ارزیابی کرد.»³¹

وزیر اقتصاد ملی افغانستان عبدالرووف هنگام سفرش به ایالات متحده از مسوولان بانک بین المللی بازسازی و توسعه و صندوق بین المللی پول خواستار کمک به اقتصاد افغانستان شد. او همچنان از تصویب قانون سرمایه گذاری خارجی و امتیازاتی که به سرمایه گذاران خارجی مطابق این قانون داده میشد، معلومات داد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۵۵ در کابل بانک رهنی و تعمیراتی با سرمایه ۶۰ میلیون افغانی ایجاد شد. مهمترین اهداف این بانک اعطای قرضه های گوناگون بر مبنای رهن (گرو) داراییهای منقول، دادن وامهای کوتاه مدت بر مبنای ضمانت اسهام شرکتها و بانکها، اجرای عملیات گونه گون بانکی در امور ساختمانی، کمک به شرکتها و مؤسسات ساختمانی شاغل در امر صادرات کالاهای ساختمانی و همچنان واردات چنین اجناس از خارج؛ اعلام شد. همچنان فیصله شد، کریدتهای کوتاه مدت با ۶٪ سود بانکی به صادرکنندگان قره قل برای خرید پوست داده شود.³²

25 - همانجا... -

26 - روزنامه انیس مورخ 4.12.1954. -

27 - روزنامه انیس مورخ 11.12.1954. -

28 - АВП РФ. 1955. Ф. 042. Оп. 67а. Д. 2. П. 86. - آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:..

29 - همانجا - ۴۵ -

30 - همانجا - ۴۶ -

31 - روزنامه انیس مورخ 17 نوامبر 1955. -

32 - آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:.. АВП РФ. 1955. Ф. 042. Оп. . 66б. Д. 1. П. 88. -

گشایش رسمی بانک بتاريخ ۵ جنوری سال ۱۹۵۵ صورت گرفت. به این مناسبت وزیر اقتصاد عبدالملک بیانیه بی ایراد کرده و طی آن خاطر نشان ساخت، که او «تلاش زیادی برای ایجاد این مؤسسه که بزرگترین گام در راستای تحکیم اقتصاد و بهبود وضعیت تاجران است، نموده است».

در جنوری همان سال او در اتفاقی تجارت کابل بیانیه بی پیرامون برنامه های اقتصادی دولت ایراد نمود. از جمله وی گفت که حکومت قصد ندارد، تجارت را بدست خود گیرد. عبدالملک از بازرگانان درخواست کرد، با وزارت اقتصاد ملی برای تحقق برنامه های نو اقتصادی همکاری نزدیک نمایند.³³

با وجود یک سلسله اقدامات بهای مواد مورد ضرورت اولیه افزایش یافت. بنابراین وزارت اقتصاد ملی مجبور شد، با اصطلاح حد اعظم قیمتها را معین سازد که برشالوده آن وارد کنندگان محصولات وارداتی تا ۱۰٪ و فروشندگان تا ۷٪ حق مفاد را داشتند. مگر بیشترین بازرگانان برخلاف فیصله حکومت به افزایش بهای کالاهایشان ادامه میدادند، که با اقدامات شدید دولت مواجه میشدند. چنانچه روزنامه اصلاح بتاريخ ۲ اکتوبر ۱۹۵۵ نوشت، «تاجرانی که نمیخواستند، قیمتهای محصولات را مناسب سازند، جریمه شدند و مغازه های یکعده تاجر توسط کمیسیون تفتیش برای مدت معین بسته شد».

اجرای یکسلسله اقدامات مهم اقتصادی مصارف قابل ملاحظه بی را میخواست و بنابراین حکومت تلاش مینمود مالیات اضافی را عملی کند. در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۵ شورای ملی پیشنویس جدید قانون مالیه از بازرگانان، کارمندان، کارگران، پیشه وران و غیره اصناف را به بررسی گرفت. بر مبنای پیشنویس این قانون اندازه مالیات در نظر گرفته شده نظر به گذشته افزایش می یافت. هویدا بود که فشار اصلی پرداخت مالیه بازهم متوجه مردم عادی که بی آنهم در شرایط دشواری زیست مینمودند، بود.

بتاریخ ۹ نوامبر ۱۹۵۵ وزارت اقتصاد ملی کمیسیون پلانگذاری اقتصادی را سازماندهی کرد که در تشکیل آن معین وزارت زراعت غلام صدیق، رییس د افغانستان بانک حبیب الله، رییس بانک انکشاف زراعتی م. اکبر پامیر، رییس انحصارت دولتی موسوم به «دیبو» احمدالله کریمی و یکعده رؤسای وزارت نامبرده عضویت داشتند.³⁴ به کار کمیسیون برخی کارشناسان عرصه های گوناگون اقتصاد نیز جلب شدند. عبدالملک طی یک گزارش در جلسه کمیسیون نامبرده که متن آن در روزنامه اصلاح³⁵ نشر شد، در پایان سال ۱۹۵۵ اعلام کرد که وظیفه اساسی کمیسیون اینست که در آینده نزدیک پلان انکشاف عرصه های مختلف اقتصاد کشور را ترتیب نماید.

در روزنامه انیس³⁶ مورخ ۴ دسامبر مقاله بی زیر عنوان «بانکها نظارت امور سرمایه های خصوصی را بعهده میگیرند»، نشر شد. بر مبنای این نوشته، پشتی تجارتي بانک «بخاطر بهبود امور، گسترش تشکیل اش، یافتن راههای درست فعالیت با شرکت سرمایه های خصوصی، باید کارهایش را تنظیم میکرد. فعالیت سرمایه داران خصوصی در بانک تجارتي نامبرده باعث تحکیم وضعیت مالی- اقتصادی کشور شده و منافع سکتور خصوصی با ضروریات اقتصادی دولت را منطبق خواهد ساخت».

در نیمه نخست دسامبر سال ۱۹۵۵ شیوه پرداختهای شرکتی که حق انحصاری صدور قره قل را داشتند، تغییر خورد. در گذشته آنها در برابر هر جلد پوست باکیفیت قره قل ۵ افغانی و در برابر پوست دیگر قره قل موسوم به «بغنه» ۳ افغانی و در برابر پوست بره ۱ افغانی پول به حساب شرکت نساجی واریز میکردند. مگر مطابق مقرره جدید این شرکتها موظف بودند پرداختهایشان را بحساب بانک انکشاف زراعتی انجام دهند.³⁷

روزنامه انیس مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۵۵ خبری را پیرامون فیصله حکومت و تصویب پادشاه برای لغو مالیه جنسی محصولات زمین و پرداخت پول بجای آن، نشر کرده بود.

- همانجا، آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:-، 88.، 1. П. 666. Д. 042. 1955. АВР РФ.

³⁴ - انیس مورخ: - 10.11.1955.

³⁵ - روزنامه اصلاح مورخ:- 10.11.1955.

³⁶ - انیس مورخ - 4.12.1955.

³⁷ - روزنامه اصلاح مورخ 55:- 16.12.1955.

اقدامات نامبرده حکومت افغانستان در عرصه سیستم بانکی و تجارتی باهدف برقراری کنترل و ازدیاد حجم محصولات بازرگانی صادراتی بود. البته برخی از این دگرگونیها (مانند تغییر مالیه جنسی محصولات زمین به مالیه پولی) باعث رشد مناسبات بازار آزاد در کشور میشدند.

عرصه اصلی اقتصاد افغانستان زراعت بود که ۷۰٪ عاید اسعاری ملی کشور را تأمین میکرد. باوجود این سطح رشد کشاورزی همچنان پایین بود. گرچه ۸۰٪ نفوس مملکت مشغول زراعت بود، با آنهم کشاورزی نمیتوانست کشور را با محصولات لازمی خوراکی و مواد خام تأمین کند. کشاورزی از سه عرصه تشکیل شده بود، که عبارت بودند از: زمینداری، مالداری و باغداری.

در عرصه زمینداری تولید محصولات خوراکی (گندم، برنج و جواری) و در عرصه محصولات تخنیکی (کشت پنبه و لبلبو) بخش اساسی را تشکیل میدادند. چنانچه صدور پنبه ۲۰ تا ۲۵ درصد صادرات کشور را تشکیل میداد.³⁸

در عرصه مالداری پرورش گوسفند منجمله گوسفند قره قل که ۲۵٪ عاید سالانه صادرات کشور را تشکیل میداد، جایگاه عمده را داشت.

در عرصه باغداری بیشتر مرکبات (مالته و لیمو)، میوههای سر درختی (سیب، ناک و انار) و انگور تولید میشدند. صادرات این کالاها سالانه به کشور تا ۴۰٪ عاید اسعاری را بیار میآورد.

به علت سطح پایین تخنیک کشاورزی تولید میوه های نامبرده چندان زیاد نبود. چنانچه در جریان پنجسال (۱۹۵۴-۱۹۵۸) حد اوسط حاصلات زراعتی از هر هکتار چنین بود: گندم ۹-۱۰ کیلوگرام، جواری ۱۶-۱۸ کیلوگرام، برنج ۱۵ کیلو، پنبه ۷-۹ کیلوگرام و لبلبو ۶۰-۸۰ کیلوگرام. بقول وزیر مالیه عبدالملک در سال ۱۹۵۴ در کشور ۲ میلیون تُن گندم، ۳۰ هزار تن پنبه، ۹۰ هزار تن محصولات تخنیکی دیگر و ۵ هزار تن شکر تولید شده و ۲،۲ میلیون جلد پوست قره قل جمعآوری شده بود.³⁹

میانگین محصول ناخالص زراعتی سالانه در کشور (بحساب هزار تن) چنین بود: گندم- ۲۲۳۵، جو- ۲۸۰، برنج- ۳۱۶، کچالو- ۱۰۸، جواری- ۷۲۹، ترکاری و محصولات فالیزی- ۱۰۰، انواع میوه- ۶۷۶، پنبه- ۶۵، تنباکو- ۲۲، لبلبو- ۳۸، نیشکر- ۱۱۶ و نباتات روغندار- ۵۰.

قابل یاددهانی است، در سال ۱۹۵۹ در جاهایی که از تکنالوژی زراعتی استفاده میشد، حاصل بیشتری نسبت به مقدار میانه کشور بدست میآمد: گندم از ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرام از هکتار، جواری از ۴۰ تا ۴۵ کیلوگرام از هکتار، پنبه از ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرام از هکتار، لبلبو در حدود ۲۰۰ کیلو از هکتار، که این ارقام شاهد امکانات گسترده در امر ارتقای حاصلدهی کشاورزی در افغانستان که مساحت آن برابر به ۶۵۲ هزار کیلومتر مربع و یا ۶۵ میلیون هکتار است، میباشد.

تقسیمبندی زمینهای افغانستان از جدول زیر واضح میگردد⁴⁰:

آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه: - 88. П. 1. Пор. 70. Оп. 042. 1955. АВП РФ. - 38

- همانجا - 39

- همانجا - 40

مشخصات	ملیون هکتار	% آن بتناسب مساحت کل
۱- زمینهای غیر قابل کشت (کوهها، محلات ساختمانی و راهها)	۵،۴۹	۷۶
۲- چراگاهها و مرغزارها	۳،۲	۵
۳- جنگلزارها	۱	۱،۵
۴- کشتزارها	۹	۱۴
۵- زمینهای قابل استفاده یی که مورد کشاورزی قرار ندارند	۲،۳	۳،۵
جمع کل	۶۵	۱۰۰٪

زمینهای کشاورزی بنوبه خود به بخشهای زیر تقسیم میشدند⁴¹:

مشخصات	ملیون هکتار
زمینهای کشاورزی	۳۱،۵
شیوه آبیاری این زمینها:	
الف) توسط آب رودخانه ها	۳،۳۸
ب) بوسیله آب کاریها	۰۶،۱
پ) توسط آب چشمه ها	۸۷،۰
۲. زمینهای للمی	۴۹،۲
۳. زمینهای للمی که استفاده نمیشوند	۲،۱
جمع کل	۹

بر علاوه حدود ۳،۲ ملیون هکتار زمین قابل کشت همچون زمین بایر بیحاصل همانند چراگاه استفاده میشد. از جمله ۳۱،۵ ملیون هکتار زمین زراعتی نیم آن بعلت نبود آب استفاده نمیشد. این زمینها از ۱ تا ۲ سال به آیش «بوره»⁴² گذاشته شده و پس از آن کشت میشدند، و آن قطعات زمین را که ۱ تا دو سال کشت کرده بودند، میگذاشتند یک- دو سال «آیش» (بوره) کند. این بدان معنی بود که بیشترین زمینهای آبی همانند للمی هر ساله کشت نمیشد.⁴³ بنابراین در افغانستان سالانه مقدار قابل ملاحظه زمین استفاده نمیشد. ارقام پایینی گواه این گفته ها اند.

به قول وزارت زراعت در سال ۱۹۵۷ / ۵۸ ساحه زمین بزی (به هزار هکتار) چنین بود⁴⁴:

۴۱--ABП PΦ. Φ. 042. 1955. On. 70. Por. 1. П. 88. - ... - آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه

۴۲ - آیش واژه قبول شده ادبی استراحت (یا باصطلاح دمراستی) زمین و بوره اصطلاح مروج ان در گویش دری است. (مترجم).

۴۳ --ABП PΦ. Φ. 042. 1955. On. 70. Por. 1. П. 88. - ... - آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه

۴۴ - همانجا... -

۳۱۹۲	۱. غله از جمله گندم جواری جو برنج ارزن
۲۲۲۵	
۴۰۵	
۳۵۰	
۲۱۰	
۲	
۱۲۶۲	۲. اقلام دیگر بذری از جمله حبوبات کچالو سبزیها و محصولات ت فالیزی
۱۵۰	
۱۲	
۱۰۰	
۱۰۰۰	انگور و میوههای دیگر
۲۵۵	۳. حاصلات تخنیکی
۸۰	از جمله پنبه
۲۲	تنباکو
۲۰۹	للبو
۱۴۴	نیشکر نباتات روغندار

۶۰	علوفه
۴۷۶۹	جمعاً

به اینترتیب از ۹ میلیون هکتار زمین قابل کشت بیشتر از ۴۲۳۰ هکتار آن سالانه استفاده نشده آیش و یا و به اصطلاح «بوره» میکرد و به اینترتیب روند بدون بذر ادامه مییافت.

از نمونه های یادآوری شده برمیآید که بطور تقریبی به اندازه ۱ هکتار زمین قابل کشاورزی بحساب سرانه ملی میرسید، که از جمله نیم هکتار زمین قابل آبیاری بود. این مقدار زمین در صورت استفاده درست میتواند باعث رشد زراعت و تولید مقدار لازمی حاصلات و مواد خام شود. ازسویی رشد ضعیف کشاورزی نمیتوانست شرایط لازم برای انکشاف مالداری را ببار آورد. عدم موجودیت امکانات برای تأمین علوفه باعث بازدهی پایین آن میشد. چنانچه جمعآوری سالانه شیر بحساب یک رأس گاو ۵،۱-۲ هزار کیلوگرام بود. شرایط نابسامان نگهداری حیوانات اهلی علت بیماریهای حیوانی و مرگ آنها بود. حد میانه مرگ و میر حیوانات در مرحله نامبرده به ۲۰ درصد میرسید.

درسال ۱۹۵۹ در کشور تعداد کلی مواشی چنین بود: 45

۲ میلیون	گاو
۴۳ میلیون	گوسفند
۸ میلیون	بز
۶۷۰ هزار	خر

شتر	۲۲۰ هزار
اسپ	۱۹۰ هزار

دوران کالایی در عرصه کشاورزی بسیار پایین بود. بصورت عموم تمام محصولاتیکه توسط مردم تولید میشد، توسط خود آنان نیز مصرف میشد. البته پنبه، قره قل، پوست، پشم (کرک) بز و شتر، غله، نباتات روغندار، میوهها و انگور که بخشی از آنها به سفارش شرکتهای تولید گردیده و به خارج صادر میشدند، از این میان سوا بودند. در سال ۱۹۵۶/۱۹۵۵ دو شرکت صادراتی میوه بنام «میوه» (در کابل با سرمایه ۵،۷ میلیون افغانی) و «میوه» (در قندهار با سرمایه ۷ میلیون افغانی) و همچنان شرکت صادرات دانه های روغنی «حبوبات» (در مزار شریف با سرمایه ۷ میلیون افغانی) و شرکت «کنجد و زغر» (در کابل با سرمایه ۵،۲ میلیون افغانی) و غیره بکار آغاز نمودند.⁴⁶

همچنان سطح میکانیزه شدن کشاورزی خیلی پایین بود. در سال ۱۹۵۹ بصورت کل در سطح کشور ۱۴ ماشین بذر افشانی، ۷۲ عراده تراکتور، ۲۴ عراده تراکتور شخم زنی، ۳۱ واسطه قلبه، ۹ عدد اسپار اسپیی، ۳۶ وسیله درو و ۲۴ عدد واسطه علف دروی، موجود بود.⁴⁷

وسيله اساسی بذر زمین قلبه (گاواهن)⁴⁸ بود که تعداد کل آن در سالهای ۵۰ میلادی به ۹۱۴ هزار میرسید. از اینجمله ۴۶۴ هزار آن با اسپار فلزی و ۴۵۰ هزار دیگر چوبی بودند. «ماله» وسیله اصلی تسطیح زمین که یک تخته چوبی ضخیم بود، بشمار میرفت. وسیله عمده درو حاصل داس بود. تعداد کل داس در کشور ۱۸۷۲ هزار دانه بود که از جمله ۱۴۵۰ هزار آن امریکایی و ۴۲۲ هزار آن اتریشی بودند.⁴⁹

عرايه دو چرخي وسیله اصلی ترانسپورت بود، که فقط در اختیار کشاورزان دارا قرار داشت. بیشترین دهقانان بارهای شان را بوسیله حیوانات بارکش انتقال میدادند.

در عرصه کشاورزی کمبود جدی کارشناسان چون انجیران زراعتی، کارشناسان پرورش حیوانات (زو تخنیک)، و ترنران و غیره احساس میشد. در سال ۱۹۶۰ در این عرصه بصورت کل ۲ نفر کارشناس داخلی با تحصیلات عالی کار میکردند. بنابراین افغانستان مجبور بود کارشناسان کشاورزی را از کشورهای دیگر دعوت کند. در سال ۱۹۶۰ در سیستم زراعت افغانستان ۵۳ کارشناس از ۱۳ کشور مشغول کار بودند. از آنجایی که بیشترین آنان برای کوتاه مدت (تا ۱ سال) به اینجا میآمدند، میتوان با اطمینان گفت که کشور از وجود کارشناسان خارجی در عرصه کشاورزی سود لازم را نمیبرد. بادر نظر داشت ویژه گیهای زراعتی افغانستان لازم بود که تعداد کمتر متخصصان خارجی برای مدت درازتر چون ۲-۳ سال دعوت شده و همزمان مکاتب زراعتی برای آماده نمودن کادرهای ملی فعال شوند.⁵⁰

همانطوریکه گفته شد، حکومت محمد داوود خان بانک انکشاف زراعتی را بنیانگذاری کرد که کار گسترده بی را در اعطای قرضه های بانکی برای رشد پیشه وری و انکشاف روستاها انجام میداد. بخش ناچیز دهقانان نیز از دولت قطعات

⁴⁶ - Гуревич Н.М. Очерки истории торгового капитала в Афганистане / Отв. ред. Ю.В. Ганковский. - М., 1967. С. 97.

گوریویچ ن.م. رساله سرمایه بازرگانی افغانستان، تحت نظر گانکوفسکی، ی. و. مسکو ۱۹۶۷. ص. ۹۷.

⁴⁷ - АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Пор. 1. П. 88. آرشیف وزارت خارجه روسیه:

⁴⁸ - در متن اصلی روسی واژه «اوماچ» آمده است. (مترجم خلیل و داد). -

⁴⁹ - همانجا -

⁵⁰ - АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Пор. 1. П. 88. : آرشیف وزارت خارجه روسیه:

زمین را دریافت میکرد. همچنان اعلام شد که اصلاحات ارضی عملی شده و قطعات اضافی زمین در برابر پول به کشاورزان داده خواهد شد. به این منظور بانک انکشاف زراعتی از تاریخ ۲۲ اگست تا ۱۱ دسامبر ۱۹۵۴ کردیتهایی را به مبلغ ۵,۴۱۵,۵۹۳ افغانی اعطا کرد.⁵¹ در روزنامه انیس⁵² مورخ ۱۵ دسامبر همانسال مقاله‌ی جابجا شده بود پیرامون اینکه به دهقانان ولایات شمال کشور قرضه (وام) هایی برای آغاز سال ۱۹۵۴ جهت کشت پنبه به ارزش ۵۰ هزار تن پنبه داده شده است.

بروز ۳ جنوری سال ۱۹۵۶ پروژه انکشاف دهات ترتیب و آماده شد که یکی از مهمترین و مؤثرترین اقدامات حکومت محمد داوود بود. در این پروژه یک سلسله اقدامات جهت ارتقای سطح زندگی روستاییان، بهبود و انکشاف اقتصاد روستاها، کشاورزی، معارف و صحت عامه در دهات و غیره در نظر گرفته شده بودند. آشنایی مردم با شیوه های نوین زندگی با استفاده از دستاوردهای علم و تکنیک، کمک مالی، استعمال وسایل و ابزار جدید از جمله وظایف پروژه انکشاف دهات پنداشته میشدند. همزمان مبارزه با فقر، نادانی و بیماریها و بهبود شرایط زندگی روستاییان از وظایف اصلی حکومت اعلام شدند. در سال ۱۹۵۶ ریاست انکشاف دهات ایجاد شد. در سالهای آینده این اداره گسترش یافته و اقدامات گونه گونی برای بهبود سطح زندگی روستاهای کمری، بگرامی، ولایتی، بینی حصار، چهار آسیاب و وادی لوگر عملی شده و همچنان برای انکشاف دههای شیوه کی و پروان طرحهایی آماده شدند.

در آغاز کار گروه کوچکی از کارمندان این اداره مشغول انتخاب منطقه بی در پروان برای پیشبرد آزمایشی «پروژه انکشاف دهات» شد. در نظر بود تا ناحیه ایکه همراه با شرایط دیگر دارای حد اقل ۶۰ هزار باشند باشد، انتخاب گردد. به ریاست انکشاف دهات بودجه بی ۱۵ میلیون افغانیگی تخصیص داده شد. در ساختار اداره انکشاف دهات حدود ۴۰۰ نفر کار نموده و فعالیتهايش به همکاری مؤسسات و برخی سازمانهای بین المللی اجرا میشد.⁵³

در چوکات این اداره در سال ۱۹۵۶ کورسهای سواد آموزی بزرگسالان (اکابر) دایر شده و اقداماتی برای بهبود شرایط کار زنان پیشه ور عملی شد. همچنان در عرصه های معارف، صحت عامه و زمینداری پیشرفتهایی صورت گرفت.⁵⁴ عوامل اصلی حمایت (حکومت) از کشاورزی عبارت بودند از⁵⁵:

۱. موجودیت مناسبات نیمه فیوالی که بر مبنای آن حدود نیم دهقانان بیزمین که مجبور بودند آنرا از زمینداران بزرگ اجاره گیرند. و این در حالی بود که مدت اجاره زمین در بیشتر موارد میان ۱ تا ۲ سال را دربر میگرفت، باعث علاقمندی کشاورزان بخاطر بهبود زمین و بازدهی بیشتر آن نمیشد. اینها همه باعث کاهش حاصلدهی کشت میگردد که در همینسالها بوضوح در کشور دیده میشد. نبود مهارتهای نوین کشاورزی و استفاده از ابزارهای ابتدایی باعث آن بود که زمینداران بزرگ نتوانند از زمینهای شان (با تکنیک موجود زراعتی) بهره برداری درست کنند، بنابراین آنها را با شرایط ۱/۲، ۱/۳، ۱/۴ و ۱/۵ حاصل مطابق به کیفیت زمین اجاره میدادند. از سویی مناسبات بازار آزاد در زراعت بسیار بکندی رخنه میکرد.⁵⁶ و این نفوذ از راههای زیر صورت میگرفت:

الف) ایجاد شرکتهای تهیه و فروش مواد خام محصولات کشاورزی و مالداري؛

ب) اعطای قرضه ها به زمینداران بزرگ برای استفاده آنها در امور زمینداری؛

پ) خرید وسایل تخنیکي کشاورزی (تراکتور ها و ماشینهای دیگر زراعتی)، ساختمان مؤسسات برای پروسس محصولات کشاورزی.

۲. استفاده از شیوههای کهن بهره برداری از زمین.

در شرایط نبود تخنیک مدرن کشاورزی و حیوانات بزی همانطوریکه پیشتر یادآوری شد، بر مبنای شیوه کهن فقط نیم زمینهای آبی و للمی استفاده شده و نیمه دیگر باصطلاح «بوره» یا دمگیری میکرد. همچنان بدلیل استفاده از اسپارهای

51 - آرشیف وزارت خارجه روسیه: ۵۵- АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Д. 1. П. 88.

52 - روزنامه انیس مورخ ۱۵-12.1954-66

53 - آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی: ۵۵- АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Д. 1. П. 88.

54 - همانجا- ۶۸

55 - همانجا ۶۹

56 - همانجا، آرشیف وزارت خارجه روسیه: ۵۵- АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Д. 1. П. 88.

کوچک و ناتوان ۱۰-۱۲ سانتیمتری بذر دانه ها عمیق نبود. آبیاری کشتها بطور تصادفی و بدون در نظر داشت نورم و ضرورت به آب صورت میگرفت. بسیاری از مواد (مانند پنبه، جواری و لبلبو) بجای آنکه طور منظم و ردیف شده بذر شوند، بصورت پاشان و با دست کشت میشدند.⁵⁷

اینها همه باعث بیحاصلی و هرزگی زمین شده شرایط لازم را برای افزایش بهره دهی زمین و حاصلدهی بهتر مهیا نمیساخت.

۳. استفاده بیرویه و بی برنامه کریتهای دولتی از طریق بانک انکشاف زراعتی، که بجای افزایش بازدهی محصولات کشاورزی و مواد خام برای بخشهای سود آور دیگر مانند تجارت و غیره استفاده میشدند.

۴. بهای تصادفی و خودانگیخته محصولات کشاورزی و مواد خام باعث آن میشد که دهقانان دیگر علاقمند تولید محصولات مهم چون پنبه و لبلبو نباشند زیرا قیمت گندم بیشتر ازینها بود.

۵. نبود کادرهای ورزیده و فرهیخته در عرصه کشاورزی.

البته تعیین وظایف مربوط به انکشاف کشاورزی⁵⁸ وظیفه حکومت افغانستان و وزارت زراعت که مسوولیت اداره این عرصه خطیر تولید اجتماعی در آنزمان را بعهده داشتند، بود.

بادر نظر داشت ضروریات کشور و امکانات رفع آنها برنامه تأمین خودی اهالی با گندم و غیره محصولات خوراکی و در عرصه صنایع تهیه مواد خام خودی همزمان با گسترش تولیدات تخنیکی و کالاهای دیگر برای صادرات تصویب شد.

درستی و معقولیت این مسأله در تصامیم آتی بازتاب یافته بود: افزایش تولید غله از ۴۰ تا ۵۰٪ از طریق ارتقای حاصلات گندم و گسترش کشت جواری طوریکه تولید گندم سالانه به ۳ میلیون تن و جواری به ۵،۱ میلیون تن رسیده و باعث بهبود مالداري در کشور شوند.⁵⁹

افزایش بهره دهی گندم از راههای زیر ممکن بود:⁶⁰

(الف) کشت گندم بهاری را فقط پس از شخم پاییزی و کشت تیرماهی (خزانی) را در زمینهای خوب آماده شده پس از جمعآوری حاصلات جواری، علف، حبوبات، کچالو، پنبه و غیره انجام داد؛

(ب) تعیین دقیق زمانهای کشت در هر «حکومتی» بادر نظر داشت اینکه بذر گندم نه در مدت ۲ تا ۲ و نیم ماه بلکه در درازنای ۱۰ تا ۱۵ روز صورت گیرد؛

(پ) تشخیص اصولهای مفید کشت برای هر منطقه اقلیمی بذری و جاگزینی شیوههای های بهتر بذر غله؛

(ت) انتخاب انواع پرحاصل تخمهای بذری و تولید منظم آنها؛

(ث) افزایش کیفیت دانه های بذری؛

(ج) گزینش شیوههای مؤثر مبارزه با بیماریهای نباتی و حشرات مزمن برای کشاورزی.

افزایش کشت بیشتر جواری به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار هکتار باعث افزایش تولید غله در سطح کشور به اندازه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن (در صورت حاصل ۲۷۰۰ کیلو گرام از هکتار) میشد که از آن همچون دانه بذری و هم آذوقه میشد استفاده کرد.

مگر افزایش بهره دهی جواری تا اندازه ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ کیلو از هکتار از راه های زیر ممکن بود⁶¹:

(۱) کشت جواری بشکل ردیف وار با تعیین ساحه مشخص تغذیه نبات؛

57 - همانجا:..... 88. П. 1. Д. 70. Оп. 042. РФ. АВП - 57

58 - همانجا -

59 - همانجا -

60 - همانجا -

61 - همانجا -

۲) انجام بموقع کار خیشاوه و امور بذری درمیان ردیفها ۳-۴ بار در هر تابستان؛

۳) تخصیص زمینهای بهتر برای کشت جوار؛

۴) استفاده انواع نیکوی تخم بذری جوار با انتخاب ساقه های بهتر آن؛

۵) گسترش ساحه کشت جوار از راه استفاده زمینهای بکر و بایر با مقصد کشت جوار.

در رابطه به بذر محصولات صنعتی در نظر گرفته شده بود، که تولید پنبه و لبلبو را به دوبرابر بوسیله عمدتاً ارتقای حاصلدهی و همچنان تاحدودی از راه گسترش ساحه کشت آنها افزایش داد. برای اینکه تولید سالانه پنبه در سال تاحدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تن و لبلبو میان ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تن افزایش یابد، لازم بود: 62

الف) آبیاری درست را بشیوه میان ردیفی در دوره رشد گیاهان نامبرده و همچنان بطور گسترده در تیرماه (خزان) و زمستان انجام داد؛

ب) انجام کارهای لازم و خیشاوه میان ردیفی با آبیاری آنها؛

پ) استفاده انواع انواع پر حاصل تخمهای بذری؛

ت) استفاده گسترده از کود کیمیایی. 63

درپهلوی گسترش کشت غلات و تولید محصولات زراعتی- صنعتی، بهبود و گسترش مالداری اعم از حیوانات بزرگ و کوچک اهلی نیز بمثابه و وظیفه مهم در عرصه کشاورزی معین شده بود. البته ارتقای سطح مالداری وابسته به تأمین شالوده تغذیه (علوفه) چارپایان، بهبود سیستم درمان و ترنری و شرایط نگهداری حیوانات بود.

شوربختانه که اینهمه پندارها در عمل پیاده نشده و در روی کاغذ ماندند.

البته افزایش سطح زراعت بدون آموزش ژرف همه و ویژگیهای آن و استفاده عملی و گسترده از دستاوردهای علوم ناممکن است. برای این منظور لازم بود:

الف) گسترش کار پژوهشی در امر مطالعه حیوانات و انواع نباتات؛

ب) در افغانستان باید انستیتوت علمی- تحقیقاتی زراعت که همه فعالیتهای تجربی را در این عرصه نظارت کند، تأسیس کرد که مسؤلیت هماهنگی امور را نیز عهده دار باشد. 64

این امر نیز وظیفه غیر قابل دستیابی برای حکومت محمد داوود بود. برای اجرای این مأموریت نه امکانات مالی، نه شالوده های علمی- تکنیکی و نه کادرهای کارشناس موجود بودند.

برای انجام این وظایف که در راستای ارتقای فرهنگ کشاورزی صورت میگرفت بهبود ریشه یی و تمام عیار سیستم استفاده از زمین لازم بود. 65

باید گفت که این پرابلمها در شرایط آنروزه افغانستان بسیار بغرنج بوده حل آنها مخارج نسبتاً بزرگی را میطلبد. به همین منظور باید یکسلسله اقدامات مانند اینها رویدست گرفته میشد:

الف) تهیه ابزارهای ساده کشاورزی (قلبه، ماله، اسپار، داس و غیره)؛

ب) وارد نمودن وسایل عادی زراعت از کشور های دیگر؛

پ) تهیه تراکتور و وسایل دیگر کشاورزی بوسیله شرکتها، زمینداران و کشاورزان؛

همانجا - АВП РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Д. 1. П. 88 - 62

همانجا ... 88 - 63

همانجا ... 78 - 64

همانجا ... 79 - 65

ت) تعیین دوره استفاده از ابزارهای نو کشاورزی برای کشت انواع ویژه محصولات زراعتی (مانند لبلبو، پنبه، جواری و غیره)؛

ث) تبلیغ گسترده دستاوردهای زراعتی و مساعد نمودن زمینه های تبادل تجاری میان پیشگامان عرصه کشاورزی.

چون برای رسیدن به این مرامها تعداد کارشناسان عرصه کشاورزی ناکافی بود، بنابراین معقول بود تا شبکه یی از کورسهای کوتاه مدت (۴- ۶ ماهه) را برای پرورش متخصصان پیشه های همگانی (تخنیکران زراعتی، مالداران، ویترنرها، تراکتورچیان و رانندگان وسایط دیگر)، بادر نظر داشت این نکته که کادرهای محلی ویژه گیهای کشاورزی افغانستان را بهتر از متخصصان خارجی که از مناطق طبیعی و اقلیمهای دیگر به آنجا برای زمان کوتاه میآیند، میدانند، را راه اندازی کرد.⁶⁶

رشد سریع زراعت افغانستان فقط در صورت برنامه ریزی درست آن در همه عرصه ها و توجه اساسی به آن در پلان پنجساله دوم انکشافی افغانستان باید بطور بنیادی مشخص میشدند. در این پلان برای هر ولایت وظایف معینی قید شده بود که همه در تطبیق آن مکلف میگردیدند.⁶⁷

البته دشواریهای موجود سر راه پیشرفت زراعت افغانستان هویدا بودند و بنابراین هنگام اجرای برنامه های مطروحه باید در شرایط محلی بخاطر صرفه جویی در نظر گرفته میشدند. البته اقدامات برای حاصلدهی بیشتر گندم، جواری، لبلبو، پنبه که در بالا یاد شدند، مخارج بیشتر را نمی طلبیدند.

در سالهای حکومت محمد داوودخان برخی اقدامات بخاطر صنعتی شدن کشور در نظر گرفته شد. چنانچه در ماه فبروری سال ۱۹۵۵ قراردادی با چکوسلواکیا برای ساختمان فابریکه سمنت در جبل السراج امضا شد. مطابق این تفاهم نامه برای تمویل آن به افغانستان قرضه یی به اندازه ۵،۱ میلیون دالر از کریدت عمومی ۵ میلیون دالری که موعده پرداخت آن پس از ۸ سال پایان مییافت داده میشد.⁶⁸

در ماه جولای ۱۹۵۵ قراردادی میان «شرکت پخته» و شرکت اتریشی «یونیماکس» برای آغاز کارهای ساختمانی این شرکت آغاز شد.⁶⁹

کارشناسان آلمان غرب فابریکه نساجی گلبهار با حجم سالانه ۳۵ میلیون متر تکه را ساختند. در همانزمان فابریکه نساجی پلخمري سالانه ۱۲ میلیون متر پارچه تولید میکرد.

رشد اقتصادی در سال ۱۹۶۰ تولید بیشتر انرژی برق را میطلبید. در سال ۱۹۶۲ بند برق آبی پلخمري با توان ۹ هزار کیلووات انرژی که بصورت عموم برای مصارف سیلوی جدید، معدن زغال سنگ کرکر و همچنان برای شهرهای بغلان و قندز بکار میرفت، ساخته شد. در پایان سالهای ۵۰ بکمک متخصصان آلمان غرب بند برق سروبی باتوان ۲۲ هزار کیلووات ساخته شد. بنابه دستور صدراعظم داوود در ماه جنوری ۱۹۵۶ وزیر مالیه عبدالملک همراه با رییس صنایع وزارت اقتصادملی سید احمدشاه معصومی از جریان ساختمان بندهای برق نامبرده و پسانتر خود شاه از آنها بازدید کردند.⁷⁰

در چوکات برنامه صنعتی سازی همچنان بالای رودخانه کابل بند برق نغلو (با توان ۱۰۰ هزار کیلووات)، بند ماهیپر (با توان ۶۶ هزار کیلووات)، بند درونته (با توان ۱۱ هزار کیلووات) ساخته شدند. در شمال افغانستان بند خان آباد (با توان ۱۴۰۰ کیلووات)، بند بغلان (با توان ۳۰۰ کیلووات) ساخته شده و در وادی هلمند و ارغنداب بندهای گرشک (با توان ۲۸۰۰ کیلووات) و کجکی (باتوان ۳۳ هزار کیلووات) اعمار شدند.

همانجا: - 80-ABП PΦ. Φ. 042. 1955. On. 70. Д. 1. П. 88.⁶⁶

همانجا - 81.⁶⁷

- روزنامه اصلاح مورخ ۱۶ فبروری ۱۹۵۵ - ۸۲-۶۸

- روزنامه انیس مورخ ۵ جولای ۱۹۵۵ - ۸۲-۶۹

همانجا: - 88-ABП PΦ. Φ. 042. 1955. On. 70. Д. 1. П. 88.⁷⁰

در شهر مزار شریف بزرگترین فابریکه برق حرارتی و تولید کود کیمیاوی (با توان ۴۸ هزار کیلو وات) و در شهر کابل نیروگاه برق حرارتی (باتوان ۱۰۰ هزار کیلووات) بفعالیات پرداختند. همچنان بند برق آبی چک وردک با توان (۴۰۰۰ کیلووات) بکار آغاز نمود.⁷¹

در سالهای ۵۰ در حومه کابل (بگرامی) کارخانه نساجی با ظرفیت ۱۲ میلیون متر پارچه در سال و در شهر مزار شریف فابریکه نساجی بلخ (همچنان با توان ۱۲ میلیون متر پارچه در سال) ساخته شدند. همچنان در شهرهای کابل و قندهار در حدود ۲۴ کارخانه کوچک تولید الیاف مصنوعی فعال بودند. بر علاوه تکه های پشمی در کارخانه های پشمینه بافی دولتی در قندهار (۱۴۰ هزار متر در سال) و پلچرخی حومه کابل (تا ۱ میلیون متر در سال) که در آنجاها نخ قالین نیز تولید میشد، فعال بودند. از سال ۱۹۶۰ به بعد تولید محصولات کشف (جاکت، جوراب و غیره) نیز گسترش یافت.

در فیروزی سال ۱۹۵۷ نماینده افغانستان در ملل متحد اساسنامه آژانس بین المللی استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی را امضا کرد.⁷² هنوز در سالهای ۵۰ میلادی نتایج پژوهشهای معدن شناسان فرانسوی نشان دادند که عناصر رادیو اکتیف منجمه اورانیوم در ولایت بدخشان موجود میباشند. بصورت عموم در ۳ ناحیه- در خانتشین (هلمند)، پنجشیر و واخان (بدخشان) موجودیت عناصر رادیو اکتیف تثبیت شدند. در آزمون حکومت محمد داوود تصمیم گرفت درچوکات پلان پنجساله دوم انکشافی استقرار نخستین نیروگاه آزمایشی اتمی را نیز شامل سازد. برای ساختمان نیروگاه هسته یی معاهده ویژه یی با اتحادشوروی نیز امضا شد. مخارج ساختمان و آموزش کارشناسان افغان در اتحادشوروی و افغانستان را حکومت افغانستان میخواست بعهد آژانس بین المللی انرژی هسته یی ملل متحد واگذار. در نظر بود که این پروژه در سال ۱۹۶۵ بکار آغاز. مگر بزودی پس از کناره گیری صدراعظم داوود این پروژه بکلی متوقف شده و از سرنوشت بعدی آن خبری نشد.⁷³

در همین زمان کارهای گسترده جیولوژیکی برای تخصص نفت و گاز، آهن، مس، باریت، فلوریت، زغال سنگ و دیگر عناصر انجام یافت. چنانچه گاز کشف شده برای فابریکه تولید برق حرارتی و کود کیمیاوی مزار شریف بکار میرفت.

در ماه جون ۱۹۵۵ وزارت معادن افغانستان قراردادی را با شرکت سویدنی «سوپسکای سویدن» پیرامون کارهای تفحصی در نزدیکی شهر سرپل بست.⁷⁴

در ماه جون ۱۹۵۵ مؤسسه تفحصات نفت در مناطق شمالی افغانستان بنیانگذاری شد. در ماه اگست همانسال سرپرست وزارت مالیه عبدالملک بحیث ریس شورای عالی این مؤسسه انتخاب شد.⁷⁵

در ماه دسامبر ۱۹۵۵ معدن شناس و نفت شناس افغانی عبدالصمد در ترکیب یک هیأت جهت آشنایی با تجارب مربوطه به کشورهای شرق دور رفته و همچنان به اتحادشوروی، انگلستان، فرانسه، سویدن، آلمان دموکراتیک و آلمان فدرال سفر کرد.⁷⁶

نظر به فیصله شورای وزیران وزارت معادن پروژه استخراج بریل (بریلیوم) را در ناحیه دره نور ولایت مشرقی افغانستان آغاز کرد.

در ماه فیروزی سال ۱۹۵۶ کمیسیون جیولوجی وزارت معادن و صنایع همراه با کارشناسان نمایندگی کمکهای تخنیکي سازمان ملل متحد به نواحی غزنی و گرشک و همچنان ولایت قندهار رفت.⁷⁷ در سال ۱۹۶۰ استخراج ذغال سنگ از سه معدن «کرکر» (پلخمری)، «دره صوف» و «آش پشته» در نزدیکی دره شکاری آغاز شد. پسانها معدن ذغال سنگ «سبزک» در شرق هرات نیز کشف و تثبیت شد. همچنان در سال ۱۹۶۰ استخراج گاز از سه محل آماده شده خوجه گوگردک، یتیم تاق و جرقدوق (تا ۳ میلیون متر مکعب در سال) آغاز گردید. گاز استخراج شده پس از تصفیه بوسیله یک

71 - همانجا: ... - АВР РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Д. 1. П. 88.

72 - همانجا: .. -

73 - 87 Sameulla Poya. Энергетический потенциал Афганистана. 2010.

سمیع الله پویا . پوتنسیال انرژیاتیک افغانستان سایت فارسی رو، مقاله شماره: <http://www.afghanistan.ru/doc/17834.html>

74 - آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی: АВР РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Д. 1. П. 88.

75 - روزنامه اصلاح از تاریخهای: 12.07.1955, 18.08.1955.

76 - روزنامه اصلاح مورخ: 11.12.1955.

77 - روزنامه انیس مورخ: 19.02.1956.

پایپ لاین به کارخانه کود کیمیایی و نیروگاه برق حرارتی و از طریق پایپ لاین دیگر گاز به حجم ۸،۱-۲ میلیارد مکعب در سال به اتحادشوروی- ترکمنستان و ازبکستان صادر میشد.

در آن زمان در کشور شاهراههای اصلی موتررو که پایتخت را با هرات از طریق قندهار و با ولایات شمال کشور از راه کوههای هندوکش و کوتل سالنگ وصل میکرد، نیز به بهره برداری سپرده شده بودند.⁷⁸

وزارت فواید عامه اكمال کارهای ساختمانی شاهراههای: کابل- تورخم، کابل- چاریکار و همچنان بخش قزل قلعه (شیرخان بندر، مترجم)، دوشی و کلفت را بعهدہ گرفت.

قسمتهای یادشده به نیروی کارگران افغانستان اعمار میشدند. چنانچه کار آزمایشی قیرریزی قسمت ۱۵ کیلومتری میان کابل- چاریکار آغاز شده و پسانتر بخش ۵،۲ کیلومتری این جاده اسفالت شد.

همچنان کارهای تفحصی و سروی برای ساختمان برخی میدانهای هوایی، کار پژوهشی اولیه جهت ساختمان کانال ننگرهار، بند سرده و پلنو آغاز شد. بر علاوه کار ترمیم بند سرخاب در ولایت لوگر که باعث نگهداری سطح معین آب در ذخیره گاهش میشد، صورت گرفت.

برای ساختمان پروژههای بزرگ وزارت فواید عامه با شرکتهای خارجی مانند مؤسسه «هوخ تیف» آلمان و «اونیماک» اتریشی قراردادهایی بست.

سیاست بازرگانی خارجی افغانستان⁷⁹ به تناسب کشورهای دیگر از محدودیت کمتری برخوردار بود. فقط توريد برخی انواع محصولات، آنهم بصورت عموم بر اساس اعتقادات دینی (مانند نوشابه های الکلی و گوشت خوک) ممنوع بود. کالاهای باارزش برای اقتصاد ملی، تجهیزات صنعتی، موترهای باربری و محصولات نفتی از پرداخت مالیه آزاد بودند. شرایط وارد نمودن این کالاها برای مؤسسات دولتی و خصوصی همسان بود. همزمان شرکتهای خصوصی در صدور و وارد نمودن کالاها از دایره انحصار فارغ بودند. مگر باگذشت زمان این وضع دگرگون شد.

تجارت خارجی مهمترین عرصه اقتصاد ملی افغانستان بود. سود بدست آمده این سکتور در صنایع ملی سرمایه گذاری میشد. صدور اقلام کشاورزی مهمترین بخش تجارت خارجی افغانستان را تشکیل میداد که در آن میوهها و محصولات مالداري و همچنان پنبه از جایگاه مهمی برخوردار بودند.

در سالهای پایانی حکومت محمد داوود خان افزایش واضح ورود مواد ساختمانی، ماشینها و محصولات نفتی به نظر میرسید. در این زمان افغانستان بصورت عموم از نگاه رفع احتیاجات ارزاقی اش، به استثنای چای، شکر و مصالح خوراکی خودکفا بود. بیشترینه کالاهای افغانی در سالهای ۱۹۵۵/۱۹۵۶/۸۰۱ بترتیب به هند، اتحادشوروی و ایالات متحده صادر میشدند. در همان سالها اتحادشوروی بزرگترین وارد کننده کالاها به افغانستان بود که پس از آن هند در جای دوم و پاکستان در جای سوم قرار داشتند. در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ اتحاد شوروی در واردات به افغانستان جای نخست و در صادرات آنجا جایگاه دوم را احراز کرد، در حالیکه در سال ۱۹۵۰/۱۹۵۱ اتحادشوروی جای سوم را در واردات و هم صادرات افغانستان داشت.⁸¹

در جریان ۶ سال نخست کار حکومت محمد داوود خان صادرات کشور دوبرابر افزایش یافته (۱۰۵٪) و واردات دو نیم برابر افزونی را نشان میداد (۱۵۱٪). در درازنای چهار سال از شش سال، باسننای ۱۹۵۲/۱۹۵۳ و ۱۹۵۵/۱۹۵۶ بیلانس نهایی صادرات و واردات مثبت بود. علت بیلانس منفی سال ۱۹۵۲/۱۹۵۳ چالشهای ترانزیتی از راه پاکستان، کاهش قیمتها که وابسته به جنگ کوریا و بحران عمومی تجارت بین المللی بود. بر علاوه در سال ۱۹۵۲/۱۹۵۳ صادرات به مقایسه سال گذشته تا ۹،۳٪ کاهش یافت. در عین زمان صادرات به پاکستان به ۳۰٪ (از ۸،۵۱ میلیون افغانی تا به ۳۶ میلیون افغانی) کاهش یافت.

- خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر بزبان انگلیسی، شماره ۴۷۱ مورخ ۸ جنوری ۱۹۵۸. -⁷⁸

- نشریه سالانه وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸. -⁷⁹

- مطابق گاهشمار (هجری شمسی) افغانستان که در اول نوروز مطابق ۲۱ مارچ آغاز میشود. -⁸⁰

- همانجا، نشریه سالانه وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸. -⁸¹

همچنان یکی از عوامل عمده کمبود (کسر) بیلانس تجارتي سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ افزایش واردات ماشین آلات مطابق تصویب پلان پنجساله بود. در سال نامبرده واردات به ۲۹٪ افزایش یافت در حالیکه صادرات فقط تا ۱۰٪ گسترش یافته بود.⁸² باوجود کمبود (کسر) همگانی در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ بیلانس تجارت با ایالات متحده امریکا، انگلستان، چکوسلواکیا، هالند، پولند و عربستان سعودی مثبت بود. کمبود اصلی در بازرگانی با اتحادشوروی و پاکستان بچشم میخورد. چنانچه در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ گردش کالا با اتحاد شوروی فقط ۲۱٪ بود، در حالیکه این امر با کشورهای غربی به ۷۹٪ میرسید.⁸³

در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ صادرات افغانستان نسبت به سال گذشته در همه بخشها به استثنای میوه های خشک و قالین افزایش یافت. افزایش صادرات اقلام دیگر به علت صعود قیمتها و یا افزایش اندازه مجموعی کالاها (مانند، پنبه که حجم صادراتش بیشتر شده بود)، صورت میگرفت. حجم صادرات میوه های خشک نظر به ارزش آن تا به ۲۱٪ کاهش داشت در حالیکه صادرات آن ۹٪ کاهش را نشان میداد. البته این افت بدلیل کاهش قابل ملاحظه بهای میوه های خشک بود. همچنان در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ صادرات به هند و جاپان نظر به سال گذشته کاهش یافت.⁸⁴ همزمان صادرات به اتحادشوروی به ۲۳٪ افزایش یافته بود. مگر پایین آمدن صادرات به هند از ارزش این کشور بمثابة وارد کننده اصلی کالاهای افغانی نمیکاست. در همانسال صادرات به چکوسلواکیا و انگلستان نیز رشد کرده و (به ترتیب به ۲۵٪ و ۲۲٪) و به هالند و آلمان (به ترتیب به ۵۶٪ و ۴۶٪) پایین آمد.

در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ مهمترین اقلام وارداتی تکه های نخی (کتانی)، پارچه های ابریشم مصنوعی، شکر، چای و اجناس خرازی و پوشاک مردانه بودند. از آغاز ۱۹۵۳/۱۹۵۴ تمایلی در جهت کاهش واردات تکه های نخی (کتانی) پدید آمد، که دلیلش افزایش تولید پارچه های نخی وطنی و گسترش تقاضا برای استفاده از پارچه های مصنوعی و افزایش مداوم واردات آنها بود. در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ در مقایسه با سال پار به اندازه ۱۳٪ کمتر تکه نخی وارد شد، در حالیکه ورود پارچه های ابریشم مصنوعی ۱۱٪ افزایش یافته بود. واردات شکر در همین زمان ۲ برابر افزایش را نشان داده و واردات پوشاک و اجناس خرازی نظر به ارزش عمومی آن ۷۸٪ صعود را نشان میداد. باید گفت که واردات از هند، پاکستان، جاپان و انگلستان⁸⁵ کاهش یافت، گرچه این کشورها صادر کنندگان مهم کالا به افغانستان پنداشته میشدند. در سال ۱۹۵۵/۱۹۵۶ واردات از اتحادشوروی به اندازه ۵۹٪ نظر به سال پارس افزایش یافت، که باعث احراز جای نخست در واردات افغانستان شد. همچنان واردات از ایالات متحده، انگلستان، آلمان و چکوسلواکیا افزایش یافت. دوکشور اخیرالذکر به افغانستان بصورت عموم تجهیزات صنعتی را وارد میکردند. همزمان واردات از جاپان و ایتالیا بترتیب به ۵۵ و ۳۷٪ کاهش یافتند.⁸⁶

اگر رشد بازرگانی خارجی را با آغاز برنامه انکشافی کشور پیوند دهیم، پس در میبایم که اهمیت تجارت خارجی افغانستان که ارقام احصاییی ثابت در ارزش و مقدار آن گواه آند، نه تنها مشخصات اش را حفظ کرده بود، بلکه دگرگونیهای بزرگ ساختاری را عرصه صادرات و واردات نیز متقبل گردیده بود. با افزایش صادرات، مسأله گسترش بازارهای فروش انواع محصولات کتانی، پارچه های مصنوعی و ابریشمی بدلیل افزایش بازدهی کارخانه های نساجی پلخمری، فابریکه های پشمینه بافی قندهار و کابل و آغاز بهره برداری کارخانه نساجی گلپهار و فابریکه های تولید تکه های مصنوعی در کابل بمیان آمد.⁸⁷

با استفاده مؤثر ذخایر انرژی کشور واردات مواد سوخت کاهش یافت، که در نتیجه بخشی از اسعار آزاد مانده و خرچ خرید ماشینها و تجهیزات لازمی برای صنایع کشور شدند. در سالهای پایانی کار حکومت محمد داوود خان کیفیت صادرات پوست منجمله قره قل به برکت برنامه دولتی حمایت از مالداري در کشور ارتقا یافت که بنوبه خود باعث افزایش تقاضا برای این اقلام شد. همزمان با رشد باغداری و انگور داری و بویژه استفاده از زمینهای بکر و بایر در وادی هلمند تقاضا برای میوه های تازه و خشک در خارج از کشور افزایش یافت. برای بهبود انتقالات میوه های تازه از

گوریویچ ن.م. سیاست خارجی افغانستان، مسکو. ۱۹۸۱، ص. ۹۹. - *Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана.* - М., 1981, С. 99.
ص. ۹۹، سال ۱۹۸۱. -

⁸³ - همانجا، گوریویچ ن.م.

⁸⁴ - همانجا، گوریویچ ن.م. ص. ۱۰۵.

⁸⁵ - همانجا، گوریویچ ن.م. ... ص. ۱۰۵.

⁸⁶ - نشریه سالانه وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸.

⁸⁷ - همانجا. ۱۰۱۲ -

طریق ترانسپورت هوایی لزوم بسته بندیهای بهتر آنها (منجمله در فابریکه قندهار) بمیان آمد. در نتیجه، اقدامات عملی شده نامبرده باعث درآمد اضافی اسعاری کشور شدند.

حکومت محمد داوود تولید پنبه را تشویق کرده و با اقدامات گسترده از کاهش صدور پنبه که یکی از اقلام اساسی صادراتی کشور بود، جلوگیری میکرد. در این سالها تولید پشم افزایش یافته و این امر باعث گسترش قالینبافی شده و در نهایت صدور هردو کالا افزایش یافتند.

بصورت عموم برنامه محمد داوود خان با مرام ایجاد دولت صنعتی پیشرفته با شرایط ایتانیزم محاسبه شده بود. قابل یادآوریست که بیشترین مؤسسات صنعتی بزرگ ساخته شده در این دوره مربوط به سکتور دولتی بودند.

پلان پنجساله اول (سپتامبر ۱۹۵۶- سپتامبر ۱۹۶۱) سر موقع آماده شده، به تصویب پارلمان رسیده و از طرف شاه توشیح گردید. گرچه این پلان در موقع اجرا اصلاحاتی را متقبل شد، مگر همزمان به نوعی آزمایشگاه برای نهادینه شدن مشی انکشافی کشور و پرورش کادرها (کارشناسان) مبدل شده بود.⁸⁸

بدون شک نقش اساسی را در تسریع روند رشد کشور شخص صدراعظم محمد داوود داشت. او نماینده نسل نو سیاستمداران عملگرا (پراگماتیست) افغان و ابسته به اشرافیت درباری بود که بجای نخست وزیرانی که کاکاهای شاه (ومنجمله کاکاهای خودش، مترجم) که کشور را تقریباً یک ربع قرن اداره میکردند، بقدرت رسید. صدراعظم (داوود) چنانکه پیشتر آمد، مشی باصطلاح «اقتصاد رهبری شده»⁸⁹ برای رشد سهل و سریع سرمایه داری در کشور بوسیله سهمگیری دولت در زندگی اقتصادی، بهره گسترده از کمکهای خارجی و دادن امکانات مناسب برای سرمایه داران ملی منجمله متشبثان خرده و متوسط در راستای انکشاف اقتصادی و نیروهای مؤلده را برگزید.

تقریباً تمام دهه (۱۹۵۳-۱۹۶۳) که ویژه گی آن پهنای انکشاف اقتصادی افغانستان است، با نام محمد داوود پیوند دارند. گرچه بقول مطبوعات افغانی در وضعیت اقتصادی و درون- سیاسی کشور با اینهم تغییرات ژرفی محسوس نبودند.

بصورت عموم صفحات مطبوعات مرکزی و ولایتی از مواد اقتباس شده از رسانه های خارجی و عمدتاً امریکایی، آلمانی و ترکی پر بودند. در مورد زندگی داخلی کشور در اینزمان در مطبوعات افغانی بیشتر مسایل مربوط به اجرای برخی اقدامات حکومت محمد داوود در عرصه های کشاورزی، بازرگانی و ترانسپورت که به نظر افغانها باعث رشد اقتصاد کشور و بالارفتن سطح زندگی مردم میشد، بازتاب مییافتند.

مگر سیاست محمد داوود برای برخی از اعضای هیأت حاکمه کشور همواره قابل درک نبود که این امر باعث اختلافات شان میشد. از جمله گروه تحت رهبری ظاهر شاه با برخی عرصه های سیاست محمد داوود خان با دید انتقادی مینگریست. این امر بویژه در گرفتن قرضه های بزرگ خارجی و عواقب ممکن سیاسی و مالی آن بمیان میآمد. همچنان در عرصه گسترش سکتور دولتی در اقتصاد کشور که باعث کندی آهنگ سرمایه گذاری در سکتور خصوصی و تا حدی تضعیف نقش آن در اقتصاد مملکت میشد، تردیدهایی بمیان آمد. مبارزه درونی هیأت حاکمه برای رشد آینده کشور در سال ۱۹۶۳ باعث کناره گیری محمد داوود از حکومت شد.⁹⁰

⁸⁸ - آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه - .. - - АВР РФ. Ф. 042. 1955. Оп. 70. Пор. 1. П. 88.

⁸⁹ - Коргуи В.Г. История Афганистана XX век. - М., 2004. С. 304.

- کارگون و.گ. تاریخ افغانستان در قرن ۲۰، مسکو، سال ۲۰۰۴، ص. ۳۰۴

⁹⁰ - Гуревич Н.М. Афганистан. Некоторые особенности социально-экономического развития. 1919-1977. - М., 1983. С.13.

گوریویچ ن. م. افغانستان. برخی ویژگیهای رشد اجتماعی- اقتصادی از 1919-1977. مسکو، سال 1983، ص. 13 -